

احکام حج

احکام کلی حج

حج چیست؟

حج در لغت به معنای قصد کردن، سعی کردن و آهنگ چیزی را داشتن است و در لسان قرآن و سنت مسلمانان قصد خاصی است و آن رفتن به سوی خانه خدا برای انجام اعمال مخصوص در اوقات ویژه است؛ حج در معنای اخیر آن مورد نظر ماست و از اهمیت بالایی برخوردار است و اساس آن تمرین و آزمون انسان، برای رهایی از قیود و اغلال دست و پاگیر و تعلقات نفس و جهان ماده و ورود به عالم فوق جهان ماده و صعود الی الله تبارک و تعالی است.

حج، سیر و تحرکی است به سوی خدای جهان؛ حج، رهایی و آزاد شدن از وابستگیها و تقیدات جهان محدود مادی است؛ حج، عبور از جهان ضیق و تنگ عالم حس و خیال و وهم، برای ورود به عالم نامحدود و کلیت و عقلانیت است؛ حج، یکی از اسباب خودسازی و انسان سازی از طریق اظهار بندگی و تذلل در برابر عظمت و کبریایی حضرت حق ﷻ و از درهای رحمت خداوندی است؛ حج، نوعی اذعان، اعتراف و اقرار بر عظمت حضرت ربّ الأرباب و خضوع در مقابل حضرت اوست و بالأخره حج، یکی از راههای تهذیب نفوس از اوصاف و صفات زشت و ذمایل بشری است.¹

خانه کعبه با تمام سادگی و بی آلاچی، پرچم اسلام و حرم امن خداوندی برای کسانی است که به ساحت ربوبی پناه می آورند،² حج رفتن به سوی خانه ای است رفیع و عظیم که طواف در اطراف

1. بر گرفته از کلام مولی علی علیه السلام در خطبه قاصعه.

2. نهج البلاغه، خطبه 1.

آن قبل از خلقت حضرت آدم علیه السلام و هبوط او جعل شده است، در حدیث صحیح از امام صادق علیه السلام وارد شده است: وقتی که آدم ابوالبشر علیه السلام از منا برگشت، فرشتگان الهی به حضور او رسیدند و گفتند: ای آدم، حجت را خوب انجام بده، ما دو هزار سال قبل از تو در اینجا حج کردیم و دور این خانه طواف انجام داده‌ایم.¹

چه می‌توان گفت دربارهٔ خانه‌ای که خداوند آنجا را محل تردد و فرود پیامبران، قبلهٔ سالکان و نمازگزاران، شعبه‌ای از عوامل رضایت و خشنودی خود و راهی برای شمول رحمت و مغفرت برای بندگان خود قرار داده، و آن را در مکانی قرار داده که نشانگر رعایت عدالت و مرکزیت و محوریت آن برای تمامی عالم است؛ این خدای ماست، آنکه سزاوارترین فرمانروایی است که باید از او امر او پیروی و از نواهی او هم پرهیز کرد.²

بنابراین حاجی راه خدا و قاصد سبیل الله، باید خود را بندهٔ او دانسته و دل را از حُب غیر خالی کرده و کارهایش را به او واگذار کند، در تمامی امور به او توکل کرده و تسلیم قضا و قدر او باشد و با مظاهر فریبندهٔ دنیا وداع کند.

اهداف و فلسفهٔ حج

اهداف حج تنها منحصر به جهات معنوی، عرفانی و انسانی نیست، بلکه برای آن ابعاد و جهات دیگر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز وجود دارد. قرآن کریم کعبه را تنها یک خانه و بیت منتسب به خدای عالم نمی‌داند، بلکه علاوه بر آن، کعبه را وسیلهٔ قوام و استقلال مردم شناخته است³ و واضح است که روی پای خود ایستادن یک ملت تنها با شعار دادن به دست نمی‌آید، بلکه علاوه بر آن، در گرو استقلال فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن ملت و وحدت و همدلی آحاد مردم و تحرک و پویایی آنان و در سایهٔ عزت و عظمت روحی تک تک افراد جامعه به دست می‌آید. خدای بزرگ حج را برای نیل به این اهداف بلند، در اختیار امت اسلام قرار داده و تشریح فرموده است. در باب اهداف و فلسفهٔ حج، امام صادق علیه السلام چنین فرموده‌اند: خدای جهان با تشریح فریضهٔ حج مردم را مأمور ساخت، علاوه بر اینکه با اجرای مناسک آن در مراحل عبودیت، بندگی و اطاعت دینی به حد اعلی و اوج برسند، بلکه در سایهٔ آن مصالح و منافع دنیوی اسلام و امت اسلام را تأمین کنند. بنابراین اجتماع عظیم امت اسلام و گردهمایی آنان با گرایشها و ملیتهای مختلف از شرق و غرب جهان را در مراسم حج واجب قرار داد تا مسلمین یکدیگر را بشناسند و از طریق داد و ستد از محصولات و تولیدات همدیگر استفاده برده و طبقات مردم در سایهٔ این

1. وسائل الشیعه، کتاب الحج، باب 1، از ابواب وجوب حج، حدیث 6.

2. وسائل الشیعه، ج 11، باب 1 از ابواب وجوب حج، حدیث 10. ص 14.

3. اشاره به آیه 97 سوره مائده.

رفت و آمد از یکدیگر استفاده برند، همچنین اخبار و آثار پیامبر اسلام ﷺ و دستورات اسلامی شناخته شده و فراموش نگردد و اگر زمینه شناخت فرهنگها و تبادل فکری و انتقال منافع و دست آوردها فراهم نمی شد و هر ملتی به آنچه خود داشت بسنده می کرد و از منافع و مصالح ملت‌های دیگر غافل می شد، یقیناً همه آنان هلاک می شدند، شهرهایشان ویران می گشت و اقتصادشان از هم می گسست و اخبار و آثار پیامبر اکرم ﷺ، منتشر نمی شد و شما امروز از آنها اثری نمی دیدید.¹

شرایط وجوب حج

﴿مسئله 1911﴾ اگر کسی شرایط زیر را داشته باشد، در تمام عمر یک بار حج بر وی واجب می شود:

- 1- بالغ باشد، طبعاً بزر بچه حج واجب نیست.
- 2- عاقل باشد.
- 3- حر و آزاد باشد.
- 4- به سبب رفتن به حج مجبور نشود کار حرامی را که اهمیت ترک آن از حج بالاتر است، مرتکب شود یا واجبی را که از حج مهم تر است، ترک کند.
- 5- مستطیع باشد، یعنی قدرت رفتن به حج با شرایط خاصی که توضیح داده می شود را داشته باشد.

﴿مسئله 1912﴾ استطاعت با شرایط زیر به وجود می آید:

- 1- داشتن مخارج سفر و آنچه در آن سفر به صورت متعارف و متناسب حال وی به اندازه کافی مورد نیاز است.
- 2- داشتن مخارج افراد تحت تکفل خود تا لحظه بازگشت.
- 3- سلامت مزاج و قدرت انجام اعمال و مناسک حج.
- 4- نبودن مانع در رفتن و برگشتن، بنابراین در صورتی که راه بسته باشد یا انسان برسد که در راه به جان و مال و آبروی او تعرض شود، مستطیع نبوده و حج بر وی واجب نیست، ولی اگر راه دیگری وجود داشته باشد و انسان بتواند بدون نگرانی از آن راه به مکه برود، اگرچه دورتر هم باشد، در صورتی که مشقت زیادی نداشته و خیلی نامتعارف نباشد، مستطیع است و باید از آن راه برود.
- 5- داشتن وقت کافی برای انجام مناسک حج.

1. وسائل الشیعه، کتاب الحج، باب 1 از ابواب وجوب حج، حدیث 18.

6- با رفتن به حج، مال یا ملک یا کسب و پیشه‌ای که برای ادامهٔ معاش خود و افراد تحت تکفل دارد، از دست ندهد، بنابراین اگر برای رفتن به حج ناچار شود مثلاً زمین کشاورزی، مغازه و یا ماشین را بفروشد یا منبع درآمدش را که مورد احتیاج وی است، صرف حج کند و پس از بازگشت از حج، چیزی که به وسیلهٔ آن خود و خانواده‌اش را اداره کند نداشته باشد و برای زندگی به زحمت بیفتد، مستطیع نبوده و حج بر او واجب نیست.

«مسئله 1913» کسی که بدون خانه و ملکی متناسب با وضع و خانوادهٔ تحت تکفلش به زحمت می‌افتد و بدون آن از طریق اجاره و امثال ذلک، نیازش برطرف نمی‌شود، وقتی حج بر او واجب می‌شود که خانه‌ای به صورت ملکی برای خودش داشته باشد یا پول آن را داشته باشد، و گرنه مستطیع نیست.

«مسئله 1914» زنی که می‌تواند به حج برود، اگر بعد از بازگشت، مالی از خود نداشته باشد یا بدون شوهر باشد یا شوهر داشته باشد، ولی شوهرش فقیر باشد و پس از بازگشت با مشقت و سختی زندگی کند، حج بر او واجب نیست، ولی اگر شوهری دارد که متمکن است و مخارج او را می‌دهد یا اینکه شوهر ندارد، ولی خودش مال یا درآمد مناسب برای تأمین مخارج پس از برگشتن را دارد، در این حالات اگر هزینهٔ رفت و برگشت را داشته باشد، مستطیع می‌شود.

«مسئله 1915» کسی که در راه حج برای خدمت به حجاج در کاروان، رانندگی یا برای تهیهٔ خبر و به عنوان خبرنگار اجیر می‌شود، یا به عنوان روحانی کاروان، ناظر، پزشک و یا به هر عنوان دیگری از طرف بعثه‌ها، کاروانها و سازمان حج و اوقاف و مانند آن، او را به حج می‌برند، حتی کسانی که به عنوان میهمان و هیأت افتخار برده می‌شوند و می‌توانند با کمال آرامش و بدون زحمت حج کامل را با تمام مناسک بجا آورند و مخارج افراد تحت تکفل خود را نیز تا وقت برگشتن دارند وقتی که این نوع خدمات و وظایف را قبول کردند، حج بر آنان واجب شده و به عنوان حَجَّةُ الْاِسْلَام حساب می‌شود و این افراد لازم نیست بعد از بازگشت، سرمایه و منبع درآمد مناسب برای تأمین زندگی داشته باشند و نیز در این موارد، مدیون بودن طرف مانع استطاعت و وجوب حج نمی‌شود.

«مسئله 1916» اگر فرد، یا تشکیلات، سازمان و یا مجتمع خیریه‌ای، مخارج رفت و برگشت سفر حج کسی را به همراه مخارج خانواده و افراد تحت تکفل وی، در آن مدت که او به حج رفته، بدهند و به او این هزینه را ببخشند، حج بر او واجب می‌شود، چون استطاعت حاصل می‌شود، ولی اگر ملک او نکنند، در صورتی که اطمینان داشته باشد که این بذل صورت می‌گیرد و از او پس نمی‌گیرند، باز هم حج بر او واجب است و همچنین اگر مقداری را به او هبه کنند و ببخشند یا تصرف آن را برای او مباح کنند و در ضمن شرط کنند او به حج برود، اظهر آنست که حج بر وی واجب می‌شود، ولو اینکه مقروض باشد و یا اینکه برای بعد از برگشتن چیزی نداشته باشد که با آن بتواند مخارج خود و خانواده‌اش را تأمین کند، ولی اگر قبول بذل و بخشش برای او دون شأن و

موجب ذلت و خواری گردد، قبول کردن آن واجب نیست.

«مسئله 1917» در تمام مواردی که مخارج کسی را قبول کنند و حج بر او واجب شود و او نیز به حج رفته و اعمال آن را بجا آورده باشد، از حجة الاسلام، کفایت می کند و چنانچه بعداً مالی پیدا کند و مستطیع شود، واجب نیست دوباره حج برود، اگر چه مطلوب و مطابق احتیاط است.

«مسئله 1918» حج یا میقاتی است یا بلدی. «حج میقاتی» به حجی گویند که کسی برای خود یا به نیابت از دیگری از یکی از میقاتها قصد حج کند. «حج بلدی»، حجی را گویند که انسان برای خود یا به نیابت از دیگری، از بلد و شهر خود به نیت حج حرکت کند. میزان در وجوب حج - حجة الاسلام - استطاعت از محللی است که فعلاً در آنجاست، بنابراین اگر کسی در وطن خود ساکن است و با توجه به مخارج در آن محل مستطیع نیست، حج بر او واجب نیست، اگر چه مثلاً برای حج میقاتی استطاعت داشته باشد، ولی اگر به سبب ضرورت کاری به یکی از میقاتها رفت، فرضاً برای مأموریت و انجام کاری به جده رفت و در آنجا استطاعت حج با همه شرایط آن را که قبلاً توضیح داده شد، به دست آورد، حج بر او واجب است و از حجة الاسلام کفایت می کند.

«مسئله 1919» در کشورهایی که از طرف حکومت و سازمانهای وابسته و غیر وابسته به آن برای حج در سالهای بعد نام نویسی می کنند و راه دیگری برای رفتن به حج وجود ندارد، افرادی که استطاعت دارند، واجب است ثبت نام کنند، اگر چه در آن سال قرعه به نامشان اصابت نکند و اگر کوتاهی کرده و ثبت نام نکنند، حج بر عهده شان آمده و مستقر شده است و باید در هر فرصتی و از هر طریق ممکن به حج واجب بروند، حتی اگر کسی نمی داند به زودی مستطیع خواهد شد و با وجود مستطیع نبودن یقین دارد که اگر الان ثبت نام نکند بعداً موفق نخواهد شد، با این فرض اگر می تواند باید ثبت نام کند.

«مسئله 1920» اگر انسان از طرف کسی اجیر شده باشد که حج بجا آورد، در صورتی که خودش نتواند برود و بخواهد کس دیگری را به جای خود بفرستد، باید از کسی که وی را اجیر کرده، اجازه بگیرد و اگر از اول به عنوان اعم از تسبیب و مباشرت اجیر شده باشد، اجازه گرفتن لازم نیست.

«مسئله 1921» اگر کسی مستطیع شود و حج بجا نیاورد و بعد فقیر شود، چون حج بر گردن وی مستقر شده، واجب است، اگر چه به زحمت بیفتد حج را بجا بیاورد و اگر به هیچ عنوان نتواند به حج برود، چنانچه بتواند از طریق اجیر شدن یا به عنوان خدمه، کسی او را برای حج اجیر کند و یا به عنوان خدمه کاروان در خدمت حجاج باشد، واجب است به مکه برود و در صورت خدمه بودن باید کارهای خدماتی خودش را انجام دهد و اعمال حج را هم بجای آورد و در صورت اجیر شدن اگر اجیر کننده قبول نکند که حج اجاره ای از آن سال به تأخیر بیفتد، باید به مکه رفته و حج کسی را که برایش اجیر شده بجای آورد و بعد تا سال دیگر در مکه بماند تا برای خود حج کند، ولی اگر اجیر کننده موافقت کرد که اجرت را نقد بدهد و رضایت هم بدهد که حج اجاره ای را سال

بعد انجام دهد، باید با آن پول سال اول را برای خودش و سال بعد را برای اجیر کننده حج انجام دهد.

﴿مسئله 1922﴾ اگر انسان در همان سالی که مستطیع مالی شده است، بدون سستی و تأخیر به مکه برود و اعمال عمره را انجام بدهد ولی در وقت شرعی که دستور داده شده به عرفات و مشعر نرسد، از همینجا معلوم می شود که استطاعت زمانی نداشته است (زمان مورد نیاز اعمال حج را نداشته است). در صورتی که در سالهای بعد مستطیع مالی نباشد حج بر او واجب نیست، ولی اگر سالهای قبل مستطیع بوده و نرفته، اگر چه به زحمت بیفتد، واجب است حج کند، کما اینکه اگر در همان سال، زودتر حرکت می کرد، به موقع به عرفات و مشعر الحرام می رسید و عمداً به تأخیر انداخت و به وقوفین، نه اختیاری و نه اضطراری نرسید، وجوب حج به استقرار پیدا کرده و هر طور بشود، ولو با زحمت، باید حج را بجای آورد.¹

﴿مسئله 1923﴾ اگر از همان سال اول که مستطیع شده به مکه نرود و بعد فقیر شود یا به سبب پیری، مریضی یا به هر عذر دیگری نتواند به مکه برود و حج بجای آورد و امیدی هم نداشته باشد که در آینده بتواند به حج برود، بنا بر احتیاط واجب بایستی کسی را از طرف خود نایب بگیرد تا از طرف وی اعمال حج را بجای آورد و در تمامی این موارد بهتر است کسی را به حج بفرستد که برای اولین بار به حج می رود.

نیابت در حج، شرایط نایب و احکام آن

﴿مسئله 1924﴾ کسی که حج بر او واجب شده و نرفته است، در صورتی که آثار مرگ را در خود ببیند، واجب است وصیت کند که به جای او حج بجا آورند و وقتی بعد از وصیت کردن از دنیا برود، یک بار ممکن است وصیت کرده باشد که همه هزینه حج را از یک سوم مالش بردارند که در این صورت همه را از ثلث مالش بر خواهند داشت و یک دفعه هم در وصیت نامه معین نمی کند و به طور مطلق وصیت به اتیان حج نیابتی می کند، در این صورت اگر گرفتن نایب از نزدیک ترین میقاتها امکان داشته باشد، مخارج حج - به مقدار حج از میقات - از اصل مال برداشت می شود و اگر نایب گرفتن از میقات ممکن نباشد، همه مخارج حج از اصل مال میث برداشته می شود و مابقی میان ورثه طبق مقررات ارث تقسیم می گردد.

﴿مسئله 1925﴾ کسی که می خواهد به عنوان نایب حج بجای آورد، واجب است شرایط زیر را

دارا باشد:

1- بنا بر احتیاط واجب بالغ باشد.

1. تفصیل احکام این بخش در مناسک حج آمده است.

- 2- عاقل باشد.
- 3- شیعه دوازده امامی باشد.
- 4- مورد وثوق و اطمینان باشد که اعمال را درست انجام می‌دهد.
- 5- وقتی که نایب می‌شود، اعمال و احکام حج را ولو با کمک مرشد، بداند.
- 6- در آن سال ذمه‌اش به انجام حج واجب مشغول نباشد، مثلاً در عهده وی حجة الاسلام یا حج نذری معین نباشد به طوری که توان بجای آوردن آن را در همان سال داشته باشد.
- 7- از بجای آوردن تمام یا بعضی از اعمال در حج معذور نباشد، بنابراین اگر نایب شود از طرف کسی به حج رود و خودش نتواند به مکه برود و بخواهد کس دیگری را به جای خود بفرستد، باید از کسی که او را اجیر کرده اجازه بگیرد.
- «مسئله 1926» نیابت زن از مرد و بالعکس جایز است و نیابت «صروره» یعنی کسی که تا کنون حج نرفته نیز جایز است، اگر چه بهتر است در نیابت، صروره را انتخاب نکنند. نایب و اجیر که از طرف دیگری حج بجای آورد، طواف نسا را باید از طرف منوب عنه و آن کسی که او را اجیر کرده است، بجای آورد و اگر بجای آورد، همسر - زن یا مرد - بر اجیر حرام می‌شود.
- «مسئله 1927» حج به طور کلی بر سه قسم است: حج تمتع، حج افراد و حج قران؛ حج تمتع وظیفه کسانی است که فاصله وطنشان تا مکه معظمه شانزده فرسخ یا بیشتر باشد؛ حج افراد و قران وظیفه کسانی است که اهل خود مکه یا اطراف آن تا فاصله کمتر از شانزده فرسخ باشند، البته در مواردی بعضی از افراد به سبب مرضی یا معذور بودن او حج تمتع، آن را می‌توانند به حج افراد تبدیل کنند. این سه قسم حج، در نوع اعمال مشترک هستند، منتها در حج تمتع، عمره تمتع جلوتر از حج بوده و وابسته به حج است، به طوری که باید در یک سال و در ماه‌های حج - ذیقعده و ذی حجة الاسلام - بجای آورده شوند، اما در حج قران و افراد عمره کاملاً مستقل و از حج جداست؛ در حج تمتع، روز عید قربان در منا، قربانی کردن واجب و از اعمال مناسبت ولی در حج قران قربانی که همان «هدی» است از اول مقرون با احرام است و واجب است تا روز عید در منا همراه حاجی باشد و برای ذبح تعیین شده است چه به وسیله اشعار و چه تقلید، اما در حج افراد اصلاً قربانی کردن واجب نبوده و جزء اعمال نیست، اگر چه مستحب است؛ البته تفاوت‌های دیگری نیز هست که در کتابهای مفصل ذکر شده و این نوع رساله‌ها مناسب برای ذکر آنها نیست.

صورت حج تمتع

حج تمتع ترکیبی از دو واجب و دو عمل عبادی است که عمره تمتع و حج تمتع نامیده می‌شوند و به طور فشرده به ترتیب زیر بیان می‌شود:

الف - عمره تمتع

«مسئله 1928» در عمره تمتع شش امر واجب است:

- 1- نیت عمره تمتّع.
- 2- احرام بستن از یکی از میقاتها؛ در احرام سه چیز واجب است:
الف - نیت و قصد احرام.
ب - پوشیدن دو لباس احرام که یکی را «آزار» و دیگری را «رداء» می‌نامند.
ج - تلبیه، یعنی گفتن به این نحو: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ (لك)، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».
- 3- خانه خدا را بدین ترتیب طواف کند، از حجر الاسود، شروع کند و هفت مرتبه دور خانه خدا بچرخد، به هر گردش به دور خانه خدا، یک شوط گفته می‌شود و شوط هفتم را در مقابل حجر الاسود تمام کند یعنی از حجر الاسود شروع و به حجر الاسود ختم کند.
- 4- نماز طواف عمره تمتّع را به این ترتیب بجای آورد: بعد از اتمام طواف واجب، پشت مقام ابراهیم قرار گیرد و دو رکعت نماز مانند نماز صبح به نیت نماز طواف عمره تمتّع بخواند.
- 5- سعی بین صفا و مروه کند، یعنی بعد از آنکه نماز طواف عمره تمتّع را بجای آورد، حرکت کند و میان دو کوه صفا و مروه را که دو کوه معروف هستند، سعی کند، به این ترتیب که از صفا شروع کند و به مروه برود و از مروه به صفا برگردد و تعداد سعی هفت مرتبه باید باشد و هر مرتبه را مانند دور زدن در اطراف خانه خدا یک «شوط» می‌گویند، بنابراین رفتن از صفا به مروه یک شوط و بازگشتن از مروه به صفا شوط دوم است و همین طور تا اینکه هفت شوط تمام شود، سعی را از صفا شروع و به مروه ختم کند.
- 6- تقصیر، یعنی بعد از آنکه سعی را تمام کرد، برای قصد قربت و امتثال فرمان خداوند و با نیت خالص، مقداری از ناخنهای دست یا پا یا کمی از موی سر، شارب یا ریش خود را با قیچی و مانند آن کوتاه کند و بهتر و به احتیاط نزدیک تر این است که هم ناخن را کوتاه کند و هم مقداری از مو را و تراشیدن سر و کندن مو کافی نیست.

ب - حجّ تمتّع

«مسئله 1929» در حجّ تمتّع چهارده امر واجب است:

- 1- نیت حجّ تمتّع.
- 2- احرام و آن مانند احرام عمره تمتّع است، جز اینکه در احرام حجّ باید از مکه معظمه به قصد حجّ تمتّع احرام ببندد.
- 3- وقوف در عرفات یعنی آن کسی که به نیت احرام حجّ تمتّع محرم شده است، ظهر روز عرفه، نهم ذی‌الحجه، به قصد قربت و امتثال امر الهی در عرفات باشد و در آنجا نیت وقوف کند و بنا بر احتیاط واجب از اول ظهر روز نهم به عرفات برود و تا غروب شرعی در آنجا بماند.
- 4- وقوف در مشعرالحرام، به این ترتیب که حاجی پس از انجام وقوف در عرفات، هنگام

غروب شب عید قربان، باید به مشعرالحرام کوچ کند، به طوری که نماز مغرب و عشا را در مشعر بخواند، و قوف در مشعر نیز از عبادات است و باید به قصد قربت و امتثال فرمان خداوند، انجام شود و وقت آن از طلوع فجر تا طلوع آفتاب روز عید است و بنا بر احتیاط واجب، شب دهم را هم باید تا طلوع فجر به قصد قربت در مشعر به سر برد.

واجبات منا در عید قربان عبارتند از:

5- رمی جمره عقبی یا «عقبه»، یعنی زدن هفت ریگ به آن محل به پیروی از حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام که در این مکان شیطان را رمی کرد و به او سنگ زد.

6- قربانی کردن؛ که انسان مخیر است در آن روز شتر، گاو یا گوسفند، قربانی کند و غیر از اینها حیوانات دیگر کفایت نمی کند.

7- تراشیدن سر و یا کوتاه کردن مو و ناخن - تقصیر. حاجی مرد در صورتی که اولین حجشان باشد، احتیاطاً سرشان را بتراشند، ولی در صورتی که اولین حجشان نباشد، بین حلق (تراشیدن موی سر) و تقصیر مخیر است، اما زنان فقط باید تقصیر کنند.

اعمال مکه مکرمه که عبارت است از:

8- طواف.

9- نماز طواف.

10- سعی بین صفا و مروه.

11- طواف نسا.

12- نماز طواف نساء.

اعمال منا در روزهای یازدهم و دوازدهم و برای بعضیها سیزدهم ذی الحجّه که عبارت است از:

13- بیتوته، یعنی شب ماندن در منا.

14- رمی جمرات سه گانه اولی، وسطی و عقبی و در هر روز باید به هر یک از جمرات سه گانه هفت ریگ بزند.

عمره مفرده

«مسئله 1930» یکی از مستحبات مؤکده، عمره مفرده است که در روایات اسلامی از آن به حج اصغر تعبیر شده است و در تمام اوقات سال می توان بجای آورد و در ماه رجب تأکید بیشتری شده است. چیزهایی که در عمره مفرده لازم و شرط است، عبارتند از:

1- نیت، 2- احرام، 3- طواف خانه خدا، 4- نماز طواف، 5- سعی بین صفا و مروه، 6- تراشیدن سر یا تقصیر، 7- طواف نسا، 8- نماز طواف نسا. چون عمره مفرده نیز از عبادات است باید تمام اعمال آن با قصد قربت و امتثال فرمان الهی انجام یابد. تفصیل مسائل حج و احکام هر یک از موارد و احکام حج و عمره و خصوصیات آنها در مناسک حج بیان می شود.